

خدمت به محرومان، سنگر امروز جانباز شیمیایی

رزمنده و جانباز دوران جنگ با تشکیل یک گروه جهادی برای محرومان و نیازمندان خانه می سازد



ماجرای از یک خواب شروع شد. عوارض شیمیایی دوران دفاع مقدس، حاج غلام صالحی را به حالت احتضار در آورده بود. امیدها که برای زنده ماندن او قطع شده بود، یک خواب و دلگرمی حضرت امام (ره) سرنوشت او را به گونه‌ای تغییر داد که او از بستر برخاست و به کار خیر و ساخت خانه برای مسکن محرومان روی آورد.

این ماجرا برای هشت سال قبل است. تا آن موقع، همسر و فرزندان آقای صالحی هر دارو و روش درمانی را که می‌شناسختند برای بهبودی او امتحان کرده و به مطلب دکترهای مختلف با تخصص‌های گوناگون رفته بودند، اما شدت عوارض شیمیایی و موج‌های انفجار و ترکش‌های باقیمانده در بدن آنقدر زیاد بود که راهی برای خوب شدن باقی نگذاشته بود.

در همان روزها، حال این جانباز به شدت خراب می‌شود و پزشکان که از معالجه او ناتوان مانده بودند به پسر بزرگشان می‌گویند: «پیشنهاد می‌کنیم ایشان را به خانه ببرین تا در روزهای آخر زندگی کنار هم باشین. ما همه تلاشمون رو کردیم، ولی بیشتر از این کاری از دست‌مان برنمی‌آید».

همسر و فرزندان آقای صالحی هم به این توصیه عمل کرده و با حسرت و افسوس او را در خانه بستری کردند. لحظات سختی برای خانواده آقای صالحی بود. آب شستن او را می‌دیدند و کاری از دست‌شان بر نمی‌آمد. تا اینکه یک شب دختر آقای صالحی خوابی دید که همه چیز را عوض کرد و سرنوشت جدیدی رقم خورد.

او در خواب دید که حضرت امام (ره) برای عیادت از پدرش وارد خانه آنها شده و کنار تخت پدر روی صندلی نشست و دست‌ی بر سر و رویش کشید. مادرش با دیدن این صحنه‌ها به حضرت امام (ره) می‌گوید: «آقا جان ما بعد از سید چه کار کنیم. نمی‌توانیم دوری‌شان رو تحمل کنیم» که حضرت امام با تبسم فرمود: «مقدر نیست که ایشان از دنیا برود. او باید بماند و کارهای ناتمام خود را تمام کند. شما هم مطمئن باشید ما سربازان خود را رها نمی‌کنیم».

یک تصمیم بزرگ

دختر آقای صالحی که از خواب بیدار می‌شود به این نتیجه می‌رسد که در پس این خواب باید ماجرایی نهفته باشد.

خوابش را با برادران و مادرش در میان می‌گذارد و در نهایت به این تصمیم می‌رسند که پدر را برای درمان به تهران ببرند.

به سختی او را در آمبولانس می‌گذارند و راهی می‌شوند. خودشان می‌گویند از سرعت عمل برخی اتفاقات گنج و حیران مانده بودند، اما چند روزی نگذشت که پدر همان که چند روز قبل دکترها به زبان عامیانه «جوابش کرده بودند» از روی تخت به پایین می‌آید و با پایهای خودش سوار ماشین پسرش می‌شود و می‌گوید: «رویم کرد کوی که خیلی کار داریم».

جهادگر وارد میدان شد

به خانه که برمیگردند، همسر و بچه‌ها در خانه در مورد چند و چون این اتفاقات صحبت می‌کنند. آقای صالحی که در حیطاط خانه دستاوتش را از پشت کمر به هم گره زده و به سری پایین راه می‌رود، دقایقی که می‌گذرد به خانه می‌آید و می‌گوید: «من اطمینان دارم که این خواب و خوب‌شدن من بی‌حکمت نبوده است. تفسیرم از صحبت‌های حضرت امام این بود که هنوز هم باید در میدان جنگ باشیم». دخترش می‌گوید: «باباجان! سال هاست که جنگ تمام شده، جنگ کجا بود آخه!» پدر می‌گوید: «دخترم جنگ که فقط رفتن به میدان مین نیست. جنگ الان عرصه اقدامیه! من تصمیم گرفتم‌ها برای کمک به خانواده‌های بی‌یهضات و محروم وارد عمل شوم و برای‌شان خانه درست کنم».

همسر و فرزندان آقای صالحی با شنیدن



سابقه حضور ۹۰ ماهه در جبهه‌ها و شرکت در ۲۳ عملیات در دارم. بارها در عملیات‌ها مجروح شده‌ام، از اصابت ترکش تا موج انفجار و شیمیایی، اما جبهه را رها نکردم

حرف‌های جانباز و جهادگر خانه به هم نگاهی می‌کنند.

همسرش می‌گوید: «وقتی حضرت امام تکلیف کرده ما چه کار داریم که مخالفت کنیم» و از همان‌جا دوره جدید زندگی مردی که تا هفته قبل در بستر مرگ افتاده بود، آغاز می‌شود. او تصمیم به جهاد گرفته بود و باید گروهی از

شنیدن نحوه تشکیل گروه‌های جهادی و ادامه کار آنها همیشه جذاب است، اما بعضی وقت‌ها با جهادگرانی روبه‌رو می‌شویم که باید ساعت‌ها نشست، فکر کرد و به کارهای آنها نگرینست تا بتوان درهای به دنیای‌شان نفوذ کرده و آنها را شناخت. رزمنده‌ای که در تمام دوران دفاع مقدس در جبهه بوده و بعد از آن با مبدل جانبازی به زندگی ادامه داده و در سست زمانی که همه از ادامه حیات او قطع امید کرده بودند به دنیا بازگشته و با تشکیل «گروه جهادی شهید احمد کاظمی» هم‌زمان گذشته را دور هم جمع کرده تا به ساخت خانه برای محرومان بپردازند. داستانی که بیشتر به یک افسانه می‌ماند و اسطوره‌هایی که هرگز نام‌شان را کسی نمی‌داند.

دیگر به محل قرار برگشتیم.

خانه‌ای کوچک که چند نفر با تخصص‌های گوناگون در حال ساخت آن بودند. یکی کاشی را به دیوار می‌چسباند، دیگری کف خانه را سرامیک می‌کشد، یک نفر هم مشغول گچ‌کاری بود. انگار همه خود را در این خانه سهم می‌دانستند.

آقای صالحی چرا تصمیم گرفتید وارد عرصه ساخت خانه برای محرومان شوید؟

من سابقه حضور ۹۰ ماهه در جبهه‌ها و شرکت در ۲۳ عملیات دارم. بارها هم در عملیات‌ها مجروح شدم. از اصابت ترکش تا موج انفجار و شیمیایی شدن. اما جبهه را رها نکردم. آن موقع سپاه گلستان زیر نظر مازندران و جزو لشکر ۲۵ کر بلا بود. روز اولی که به جبهه ترفتم، تصمیم گرفتم آنقدر بماتم تا فتح و گشایشی در نبرد با متخاصمین ایجاد شود.

آنقدر ماندم تا جنگ تمام شد و به خانه برگشتم. مدت‌ها درگیر بیماری و درمان بودم تا اینکه دخترم خوابی دید که حقیقت زندگی مرا رقم زد. حالم که بهتر شد با خودم گفتم جنگ که فقط رفتن روی مین و گرفتن تفنگ نیست. من به جبهه رفتم تا هموطنانم آسوده باشند. حالا باید به دنبال راهی برای آسایش آنان باشم و با این دیدگاه به همراه جهادگران دیروز و امروز، ساخت خانه برای محرومان را آغاز کردم.

پشتوانه شما برای ساخت خانه‌ها چیست؟

در ابتدا چیزی نداشتم، اما وقتی تصمیمی را با دوستان جبهه و جهاد مطرح کردم همه استقبال کردند. به آنها گفتم از شما می‌خواهم کنارم باشید. هم کمک کنید تا پول جمع کنیم و هم خودمان خانه را بسازیم.

به لطف خدا در این سال‌ها ۴۷ خانه جدید ساختیم و ۳۶ خانه را هم تعمیر کردیم. گسترده کار ما اول شهرمان کرد کوی بود، اما کم‌کم تصمیم گرفتیم به نقاط دیگر برویم. دوستانی که ما را می‌شناسند افراد جدید و نیازمند را معرفی می‌کنند و اینگونه شد که در بسیاری از شهرها و به خصوص روستاهای محروم کار خانه‌سازی را ادامه دادیم.



جهادگران را گرد هم می‌آورد.

بنابراین تعدادی از دوستان دوران رزم و جنگ خود را دور هم جمع کرد. اول ماجرای خواب را گفت و بعد تصمیمش را اعلام کرد. همه آن هم‌زمان دستان‌شان را به نشانه بیعت دراز کردند و بار یکر خانه‌سازی محرومان آغاز شد.



گفت و گو با آقای صالحی در کنار اسکلت یک ساختمان در حال ساخت در روستای لامنگ گرگان انجام شد. به محل قرار که رسیدیم، گلپایگ اذان از مناره مسجد روستا در حال پختن بود. آقای صالحی و دستاوتش دست از کار کشیده و آستین بالا زده و برای وضو گرفتن و رفتن به مسجد آماده می‌شوند.

با توفیقی که نصیب‌مان شده بود نماز را در مسجد پشت‌سر آقای صالحی خواندیم و بار



«جمعه‌های عاشقی» خدمت‌رسانی قرارگاه جهادی ستارگان خاکی و ساخت خانه محرومان در روستای بالا احمد چاله پی، شهرستان بابل در استان مازندران.



به لطف خدا ۴۷ خانه ساختیم و ۳۶ خانه را تعمیر کردیم. گسترده کار ما اول کرد کوی بود، اما کم‌کم تصمیم گرفتیم به نقاط دیگر برویم و روستاهای محروم زیادی را زیر پوشش قرار دادیم

افراد نیازمندی که واجد ساخت یا تعمیر خانه هستند را چگونه شناسایی و انتخاب می‌کنید؟

برخی از این افراد از سوی دوستان معتمد ما معرفی می‌شوند، اما تعداد زیادی از آنها را نهادهای معتبری مانند کمیته امداد و بهزیستی معرفی می‌کنند.

در اینگونه موارد بخشی از هزینه ساخت خانه را هم همان سازمان‌ها پرداخت می‌کنند، اما بخش عمده آن از سوی ما تأمین می‌شود. برای آنکه ساز و کار ما برای فعالیت قانونمند باشد، فعالیت خود را با نام «گروه جهادی شهید احمد کاظمی» ثبت کردیم و حالا با ۲۵ عضو ثابت مشغول به کار هستیم.

صفر تا ۱۰۰ کارها را با همین افراد انجام می‌دهید؟

نه. اعضای ثابت ما این ۲۵ نفر هستند که همگی سابقه حضور طولانی مدت در دوران دفاع مقدس را دارند. به جز این افراد در زمان ساخت خانه در هر روستا از توان داوطلبان آن روستا یا از کمک گروه‌های جهادی دیگر هم استفاده می‌کنیم تا سرعت کار را افزایش دهیم.

در واقع بخش عمده کارها را با کمک داوطلبان انجام می‌دهیم که اغلب آنها هم پس از شنیدن شیوه کار ما، دستمزدی دریافت نمی‌کنند یا اگر هم بگیرند به حداقل مبلغ رضایت می‌دهند.

انگیزه شما برای ساخت خانه محرومان چیست؟

بهترین یاداشتی که از ساخت خانه برای نیازمندان می‌گیرم، دعای خیرشان و به خصوص لیخند رضایت کودکان آنهاست؛ همین خنده‌ها قدرت و توان ما را برای کارهای جدید بیشتر می‌کند.

انقلاب ما برای حمایت از محرومان و مستضعفان بود. یک زمانی ما با توپ و تانک و مسلسل می‌خواستیم از مردم حمایت کنیم، اما حالا تکلیف داریم که با بیل و فرغون این مسیر را ادامه دهیم. ما‌شان و جایگاهی جز خدمت به مردم برای خود قائل نبوده و نیستیم. این روزهایی که دکترها از زنده ماندنم قطع امید کرده بودند، از ته دل برای پیوستن به هم‌زمان شهیدم خوشحال بودم. دیگر طاقت دوری از قافله آنان را نداشتم، انگار دلم در همان جبهه‌ها جامانده بود. برای اینکه آنان را فراموش نکنم در گوشه‌ای از خانه‌ام اتاقکی ساختم و همه نمادهای جبهه و عکس بسیاری از هم‌زمان شهیدم را روی در و دیوار چسباند‌ام. از دوری انسان دلگرفته بودم، اما کار ساخت خانه را که آغاز کردم انگار دوباره به جبهه پا گذاشته‌ام. هر صبح که می‌خواهم از خانه خارج شوم ابتدا به اتاقم می‌روم و چند دقیقه‌ای توجه‌خانی کرده و با بغض و حسرت از آنان خداحافظی می‌کنم.



آقای صالحی بغض می‌کند و دیگر نمی‌تواند صحبت کند. کمی دور می‌شود و صحبت با هم‌زمان دیروز و همکاران امروزش را بهانه می‌کند. به زیباترین گروه جهادی نگاه می‌کنم. می‌خواهم پر از چسب و چروک و موهایی سپیدی که نور از آنها می‌بارد. اینها جهادگران واقعی هستند و برای‌شان در چه زمان و مکان و موقعیتی باشند. کسانی که خدمت به جامعه و هموطن در خون آنهاست و خود را فدای ایران می‌کنند.



مسئول بسیج سازندگی کشور با بیان اینکه در جلسات مشترک بسیج با دولت چهاردهم، طرح بسیج آبرسانی در ۷ هزار و ۲۰۰ روستا تقویت شده و تاکنون هموطنان ۲ هزار و ۱۰۰ روستا به آب شرب سالم دسترسی دارند، افزود: در طرح از اینخیز تا جالیز نیز ۱۰ هزار میلیارد ریال هزینه شده که تاکنون رقمی از دولت دریافت نشده است.

وی ادامه داد: مجلس شورای اسلامی طرح آبخیزداری تا جالیز را تصویب کرد و تاکنون با ۹۰۰ طرح اجرایی نشان داده‌ایم برای کمک به توسعه کشور از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کنیم.

سردار زهرایی از اجرای طرح‌های محرومیت‌زدایی از طریق قیر تهاتری خبر داده و گفت: با بهر مندی از این طرح ساخت جاده‌های بین مزارع، پل‌سازی و راه‌های روستایی در مناطق محروم سرعت گرفته است.

وی ادامه داد: در کشور ۲۵ هزار کیلومتر آن اسفالت نشده داریم که از این آمار ۵ هزار کیلومتر آن مربوط به مازندران است.

مسئول بسیج سازندگی گفت: طبق بررسی‌های صورت گرفته بسیج سازندگی با انجام طرح‌های محرومیت‌زدایی در حال حاضر ۲۵ هزار میلیارد ریال از دولت طلب دارد.



مقاومت تغییر کرد و با شکل‌گیری قرارگاه جهادی شهید شاطری با هدف کمک برای بازسازی مرمت مساجد، منازل و مدارس و معیشت جنگ‌زدگان را داریم.

به گفته این مسئول، مردم مازندران در کمک‌های طرح لیبک به امام بین استان‌های کشور رتبه نخست را دارد.

وقتی رئیس سازمان بسیج سازندگی کشور از اجرای پروژه‌های ساخت مسکن در مناطق روستایی و محروم خبر داد، می‌شد چهره خانواده‌هایی را متصور شد که کلید ورود به منزل‌شان را هدیه می‌گیرند تا از این پس سرنیاهی مطمئن و دائمی داشته باشند. حالا سردار زهرایی از تحویل ۱۰ هزار خانه به مددجویان خبر می‌دهد و ۲۰ هزار خانه‌ای که به زودی آماده تحویل به نیازمندان می‌شوند.



رئیس سازمان بسیج سازندگی کشور در خصوص آخرین وضعیت ساخت ۴۰ هزار واحد مسکونی مددجویان گفت: تاکنون ۱۰ هزار واحد ساخته و تحویل جامعه هدف شده است و در تلاشیم تا ۲۰ هزار واحد دیگر در کمترین زمان ممکن آماده و تحویل مددجویان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) شود.

سردار محمد زهرایی، با بیان اینکه واحدهای مسکونی مددجویان با کمترین هزینه و با همیاری و مشارکت گروه‌های جهادی و خیرین ساخته می‌شود به طرح لیبک امام در حمایت از جبهه مقاومت اشاره کرد و توضیح داد: هم‌زمان با آتش بس در جنگ نوار غزه و لبنان، فرایند حمایت و کمک مردمی به جبهه